



دختر جوان که نابغه ریاضی بود و در کنکور رتبه دورقمی داشت در سرمستی دانشگاه به خواستگارش بله گفت و پای در خانه سیاه گذاشت.

اوبیل تابستان بود که همزمان با نتایج کنکور پسر جوانی همراه خانواده‌اش به خواستگاری آمد آمدند.

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

### تی‌ترها

#### اعدام برای یک خیانت سیاه

رابطه سیاه زن و مرد متأهل، مرد جوان را در یک قدمی اعدام قرار داد و قضات دادگاه زن جوان را به شلاق و یکسال کار عام‌المنفعه محکوم کردند. اوایل فروردین ماه امسال مرد جوانی به پلیس آگاهی رفت و از همسرش و یک مرد غریبه شکایت کرد.

۱۶

#### قتل، پایان جدال ۱۰۰ تهرانی

پسر جوان در جنوب تهران با شلیک ۲ گلوله به کام مرگ فرو رفت و پلیس با دستگیری ۱۰ مرد در ماجرای درگیری وحشت‌آور جنوب تهران به قاتل مسلح رسید.

۱۶

#### نقشه موربانه‌ای یک زن و مرد برای ثروت بادآورده

شاید حرفه‌ای که با همدستی زن جوان در سایه دیوار طعمه‌های کلاهبرداری خود را به دام می‌انداخت در حالی دستگیر شد که بیش از ۵۰ زن و مرد را فریب داده‌اند.



۱۸

مرد نامهربان با زن همسایه رابطه پنهانی داشت

این پرونده به خبرنگار ما گفت: از جندی قبل پرونده‌های مینی بر سرقت و کلاهبرداری از زنان مسن به پلیس گزارش شد و کارآگاهان در تحقیقات پی بردند که متهم با پرسه‌زنی در اطراف اداره تأمین اجتماعی افراد مسن و بازنشسته را شناسایی کرده است. وی افزود: در تحقیقات مشخص شد این مرد پس از شناسایی طعمه‌های خود را به عنوان همکار قدیمی و نفوذی معرفی کرده و عنوان داشته که می‌تواند مشکلات معوقات و دریافت وام یا بهره کم درصد را حل کند و با فریب دادن زنان اقدام به سرقت طلاها آنها کرده است.

۱۸



### آرزوی خاکستری

شراره همه چیز آرام‌آماده کرده بود. او و بهمن قرار بود به مناسبت دومین سالگرد ازدواجشان به مراسم تهنیت‌دهی در جاده شمال ناهار بخورند. شور و شوق زیادی داشت و از اینکه مدتی می‌شد به رفتارها و محبت بهمن شک کرده بود از خودش شرمند شده و می‌خواست نزد شوهرش اعتراف کند اشتباه کرده است. آن دو پس از یک سال ازدواج بهکن از سوی خانواده‌اش که تنگ پسر داشتند تحت فشار بود و مرتب از او خواسته می‌شد چشم بر عشق و علاقه بسته و شراره را طلاق بدهد.

۱۷

## این مرد در شمال تهران به کمین می‌نشست

# اعتراف شکارچی زنان

مرد شیب‌دار با شگردی ماهرانه به سراغ زنان در شمال تهران می‌رفت تا دسیسه شوم خود را با چرب زبانی اجرایی کند. چندی قبل زن ۲۰ ساله‌ای با کمبری خمیده و صورتی چروکیده لنگان لنگان پیای در اداره تأمین اجتماعی گذاشت و بیکسر موعوقه‌ها و دریافت وام بود و پس از انجام کارهایش آرام آرام از اداره تأمین اجتماعی خارج شد و این در حالی بود که رفتارها و حرکات این زن سالخورده زیر ذره‌بین مرد جوانی بود.

### چرب زبانی مرد حقه باز

مرد جوان که در کمین نشسته بود، تا بیرون از اداره زن سالخورده را تعقیب کرد و در یک فرصت مناسب خودش را به سوژه‌اش رساند و با احوالپرسی گرم و صمیمی خود را از همکاران قدیمی زن بازنشسته معرفی کرد و با چرب‌زبانی بیکسر علت مراجعه زن سالخورده به اداره تأمین اجتماعی شد و این در حالی بود که این مرد با نقشه‌ای ماهرانه و طراحی شده به طعمه‌اش نزدیک شده بود.

این مرد پس از اعتمادسازی ادعا کرد با توجه به نفوذی که در ارگان‌های مختلف، بانک و اداره تأمین اجتماعی دارد می‌تواند همین امروز نامه وام میلیونی با درصد کم فراهم کند اما برای انجام این کار باید پول داشته باشد تا در قبال پول اولیه، ۲ برابر آن وام با درصد کم بگیرد.

زن سالخورده که خام حرف‌های این مرد شاید شده بود ابتدا نگاهی به کیفیت انداخت و عنوان کرد که پول نقد ندارد و هنوز حرف‌هایش تمام نشده بود که مرد جوان با هیجان به او پیشنهاد داد که اگر طلا هم داشته باشد می‌تواند آن را به بانک بدهد و در قبال آن وام میلیونی بگیرد.

### سرقت ماهرانه

پیرزن ابتدا انگشتش طلایش را از دستش بیرون آورد و در اختیار مرد جوان قرار داد اما مرد شیب‌دار که دست پردار نبود پیشنهاد داد تا همراه زن سالخورده به خانه‌شان بروند و طلاهای بیشتری از او بگیرد و تأکید می‌کرد با توجه به شرایط پیش آمده هرچه طلاهای بیشتری بدهند می‌توانند وام بیشتری بگیرند و بازپرداخت آن نیز راحت و با توجه به حقوق دریافتی‌شان برای آنها قسط بندی می‌کند.

زن سالخورده پیشنهاد مرد جوان را پذیرفت و هر ۲ سوار بر تاکسی به خانه‌شان رفتند و

مرد جوان آنقدر در نقش خود فرو رفته بود که حتی وقتی وارد خانه شد همسر این زن به حرف‌هایش شک نکرد و هرچه طلا داشتند را در اختیار این مرد قرار دادند و خیلی زود مرد فریبکار از خانه خارج شد و ادعا کرد تا فردا از بانک با شما تماس می‌گیرند.

پیرزن و شوهرش با شنیدن این حرف خوشحال شدند و تا صبح فردا منتظر ماندند تا از بانک با آنها تماس بگیرند اما هیچ تماسی گرفته نشد و تازه متوجه گرفتار شدن در دام مرد شیب‌دار شدند و ماجرا را به پلیس اطلاع دادند.

### کلاهبرداری‌های سریالی

بدین ترتیب پرونده کلاهبرداری ماهرانه مرد جوان به اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران مخابره شد و کارآگاهان در بررسی‌های ابتدایی پی بردند که این مرد در سال‌های گذشته با این ترفند دست به کلاهبرداری از زنان و مردان سالخورده زده است و بیشتر سوژه‌های مرد شیب‌دار زن بودند چون همیشه همراه آنها طلا بود.

مأموران در این شاخه از تحقیقات دیگر طعمه‌های این مرد فریبکار را هدف تحقیق قرار دادند و زنان سالخورده موارد مختلفی را پیش روی کارآگاهان قرار دادند. یکی از پیرزن‌ها که معلم بازنشسته بود به کارآگاهان گفت: این مرد آنقدر خوب صحبت می‌کرد که فکرمی‌کنم او ما را هیپنوتیزم کرده چون وقتی به خانه‌مان آمد شوهرم نیز در خانه بود و وقتی در جریان ماجرای وام قرار گرفت برای اینکه من بتوانم وام بیشتری بگیرم طلاهای خودم را نیز به من داد تا در اختیار مرد شیب‌دار قرار دهم و مرد جوان نیز با خوشرویی طلاها را گرفت و با خونرسدی از خانه خارج شد.

وی افزود: فردای آن روز ماجرا را به فرزندم گفتم و همگی می‌گفتند که مرد جوان یک کلاهبردار بوده اما ما باور نکردیم تا اینکه به اداره تأمین اجتماعی و بانک مراجعه کردیم و متوجه نقشه این مرد شده و به پلیس مراجعه کردیم. **شناسایی مرد حیل‌گر** کارآگاهان پس از تحقیقات ابتدایی از طعمه‌های گرفتار شده در نقشه فریبکارانه مرد شیب‌دار تجسس‌های میدانی را آغاز کردند و با استفاده از دوربین‌های مداربسته در نزدیکی بانک و اداره تأمین اجتماعی تصویر



می‌کردم. **چطور وارد خانه‌هایشان می‌شدی؟** سوژه‌ها طمع می‌کردند و برای اینکه بتوانند وام بیشتری بگیرند با آنها به خانه‌هایشان می‌رفتم و طلاهایشان را می‌گرفتم. **کسی به تو شک نکرد؟** نه. **چند نفر را هدف قرار دادی؟** ۸ نفر. **مالخر طلاها را ادعا می‌کنند که از تو طلایی نخریده است؟** دروغ می‌گویند. من سالها قبل برای تعمیر طلای همسرم به مغازه‌اش رفتم و از آن زمان به بعد با هم در ارتباط بودیم و در این مدت طلاهای سرقتی را او خریداری کرده است. **خانواده‌ات خبر دارند که کلاهبرداری کردی؟** نه، همسرم تا به حال اجازه نداده پول حرام وارد زندگی‌مان شود و در این مدت فکر می‌کردم از کارم پول به دست آورده‌ام. **حرف آخر؟** پشیمانم و ارزشش را نداشتم که کارم به اینجا کشیده شود. **جزییات کلاهبرداری از زنان سالخورده** سرهنگ تقی پور معاون مبارزه با جرایم جعل

جهت درمان نداشته و حتی به ادامه مصرف مواد اصرار بیشتری نیز نشان می‌دهد. درمان با یک کار گروهی منسجم حاصل می‌گردد که تحقق این همه متأسفانه کمتر به چشم می‌خورد. آگاهی کامل فرد از مراحل درمانی قبل از اقدام به درمان نقش بسیار مهمی در کسب نتیجه مطلوب دارد و آسان گرفتن هم منجر به ناکامی خواهد شد. در جلسات مشاوره با این فرد توأم با آگاهی بخشی لازم صورت گرفت. به دنبال قطع مواد مخدر در فردی که اعتیاد به این مواد دارد، علایمی بروز می‌کند که تحمل آنها برای فرد سخت و تحمل آنها بدون اقدامات درمانی مناسب امکان پذیر نیست، لذا اقدام درمانی بی‌نتیجه خواهد بود لذا موفقیت در درمان تنها با آمیزه‌ای از علم، تجربه، هنر عشق، صبر و تعهد امکان‌پذیر است. کیس مورد نظر در کودکی نظارت کافی روی رفتار وی صورت نگرفته و سابقه ضرب و شتم توسط والد، استفاده از سبک فرزند پروری خودکامه، تبعیض و فرقه‌گذاشتن بین فرزندان، محیط ناسالم زندگی کردن و درگیری در خانه باعث به وجود آمدن رفتار کنترل‌ناپذیر شده که برای

را هم می‌فروخت. چندین مرتبه گفتم مهران بیا بریم کمپ ترک کن حتی دو بار هم با کمپ هماهنگ کردم اما وقتی از کمپ آزاد می‌شد باز هم مواد مصرف می‌کرد.

### کنک زن نامدر

در خانه برای تأمین موادش کارش به جایی رسید بود که من را هم تنگ می‌زد حتی چندین بار به دایمی و عموهایش گفتم که نمی‌توانم او را کنترل کنم ولی فایده‌ای نداشت و الان از اعتیاد او بسیار نگران و ناراحت هستم... اما آنها هم و شرارت‌های او آبروی مرا در محل برده است، نمی‌دانم چه کار کنم از شرارت‌های او امنیت خاطر ندارم...

### نگاه کارشناسی

**فخرابادی کارشناس ارشد روانشناسی** اعتیاد یکی از پیچیده‌ترین بیماری‌هاست. چنانچه فرد تمایل واقعی به درمان داشته باشد با روش درست قطعاً درمان‌پذیر است اما در صورتی که فرد هنوز به تشخیص درستی نرسیده و به عمق مشکلات خود واقف نگردیده باشد، تمایلی

حرف‌هایم گوش نمی‌داد و شب‌ها را در بیرون از خانه سپری می‌کرد و وقتی می‌گفتم شب کجا بودی و دلیل‌اش را جویا می‌شدم، می‌گفت با دوستام هستم.

او از کنترل من خارج شده و با من با بی‌احترامی رفتار می‌کرد و در مقابل اعتراض‌هایم هم می‌گفت به تو ربطی ندارد. به من توهین می‌کرد و خیلی زود عصبی می‌شد و از کوره در می‌رفت. او در مقابل کاری که باید صبر و حوصله به خرج دهد اصلاً نمی‌توانست صبر داشته باشد و هر که می‌خواست باید سریع برایش تهیه می‌کردم.

### اعتیاد پسر

که کم متوجه شدم که سیکار می‌کشد و خیلی راحت در مقابل من در داخل خانه سیکارش را روشن می‌کرد. بیشترین جایی که بیرون از خانه در آنجا وقتش را می‌گذراند، قهوه‌خانه بود. بیشتر مواقع‌ها حالت خون‌آلود به خانه می‌آمد حتی بعضی مواقع بدن خودش را با چاقو زخم می‌کرد و بعد از گذشت چند مدت متوجه شدم که اعتیاد دارد. او برای تهیه موادش وسایل خانه

## زن گریان به پلیس پناه برد

# خشونت دردناک پسر سرکش با مادر

از وقتی شوهرم به رحمت خدا رفت، من ماندم و تنها پسریم... پسرکی که فکرمی‌کردم بعد از مرگ پدرش مونس تنهایی‌هایم خواهد شد اما حالا بی‌لای جانم شده زیرا شرارت‌های پسریم و اعتیادش به مواد مخدر هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود تا جایی که مرا هم تنگ می‌زند و خودزنی می‌کند، او برای تهیه پول مواد مخدر دست به هر کاری می‌زند...

### دردنامه یک مادر

مادری ۵۵ ساله با ناراحتی و گریه به مرکز مشاوره مراجعه کرد و گفت: پسرم مهران که ۱۹ سال سن دارد از همان بچگی بسیار شلوغ و ماجراجو و کنجکاو بود و همیشه در مدرسه با همسالان خود دعوا می‌کرد به صورتی که بارها به خاطر درگیری‌های مداوم وی به مدرسه می‌رفتم و تعهد می‌دادم.

هنگامی که بزرگتر شد به خاطر نبود پدر که در همان سنین کودکی فوت شده بود به دلیل اینکه من مجبور بودم به خاطر تأمین مخارج زندگی کار کنم، نظارت کافی و لازم نداشتم و شرور شور بودن وی کم کم او را به جایی کشاند که به